

مهاجرت جوانان، آسیب‌ها و پیامدهای امنیتی آن

امیر نادری

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

چکیده

مقاله حاضر عمدتاً برگرفته از پژوهش انجام شده پیرامون مهاجرت جوانان است که در قالب گزارش ملی به چاپ رسیده است. مهاجرت شکلی از تحرکات جغرافیایی یا مکانی است که بین دو منطقه و اقامت پیوسته در منطقه‌ای دیگر می‌باشد.

در مهاجرت‌های داخلی عمدتاً این تحرک از روستاها و اجتماعات کوچک و کشاورزی آغاز و به سمت اجتماعات بزرگ‌تر و عمدتاً غیرکشاورزی حرکت می‌کند. با توجه به تقسیم مهاجران به اصلی و تبعی، نقش محوری جوانان در شکل‌گیری مهاجرت‌های سایر گروه‌های سنی اجتناب‌ناپذیر است. از لحاظ تاریخی در دهه ۴۰ و ۵۰ به دلیل اجرای اصلاحات ارضی و تبعات ناشی از آن، مهاجرت آهنگی سریع یافته و در دوره بعدی هرچند از رشد آن کاسته شده، ولی حجم آن به تنهایی قابل توجه است. تحت تأثیر مهاجرت بی‌رویه جوانان، مناطق مهاجر فرست دچار کمبود نیروی انسانی خلأ، پویا و جوان می‌گردد و مناطق مهاجرپذیر کشور مواجه با امواج فزاینده مهاجرت، دچار فقر، رشد روز افزون بیکاری، حاشیه‌نشینی و انواع ناهنجاری‌های عاطفی و روانی شده، جرایم، بزهکاری و ناامنی روند رو به رشدی پیدا می‌کند.

در این نوشتار در ارتباط با موضوع مهاجرت و ناامنی به دیدگاه اندیشمندان داخلی و خارجی اشاره شده و برخی مطالعات موردی نیز بررسی شده است و در ادامه به ارائه جمع‌بندی علل و عوامل و پیشنهادها جهت کنترل مهاجرت‌های بی‌رویه می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

مهاجرت / Immigration / مهاجرت داخلی / Internal immigration / مهاجرت خارجی / External immigration / حاشیه‌نشینی / Suburbs residing / جوانان / Youngsters / جرم / Crime / بزهکاری / Delinquency / جمعیت

مقدمه

پدیده مهاجرت^(۱) از جمله پدیده‌های شایان توجه و مهم در کشورهای مختلف جهان و بویژه کشورهای جهان سوم و در حال توسعه به شمار می‌رود. رشد روزافزون جمعیت و گسترش سریع و بعضاً غیر عادی شهرنشینی و پیدایش کلان شهرها امروزه به مثابه مسئله‌ای برای کشورهای در حال توسعه بوده و پیامدهای قابل تأمل و مشکل‌ساز نظیر خالی شدن روستاها از ساکنان، حاشیه نشینی، رشد و گسترش ناهنجاری‌های روانی - اجتماعی و پدیده‌هایی مانند بزهکاری، سرقت، قتل، خودکشی... و انواع ناهنجاری‌های اجتماعی را که نمودی از آنهاست، در برداشته است و یکی دیگر از اشکال آن که خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر روند تحولات توسعه یافتگی وارد می‌کند، پدیده مهاجرت مغزها و نخبگان علمی و فرهنگی است. در این نوشتار به بررسی مهاجرت داخلی جوانان و مسایل مرتبط با آن پرداخته می‌شود.

مفهوم مهاجرت

به طور کلی واژه مهاجرت در مفهوم جابجایی و انتقال جمعیت در مکان یا تحرک جغرافیایی جمعیت استفاده می‌شود و معنای خاص آن عبارت است از «نقل مکان انفرادی یا جمعی انسان‌ها یا تصمیم به تغییر محل اقامت و کار به طور دائم یا برای مدتی طولانی و بیش از یک سال» (تورمینایی، ص ۵۱) در تعریف دیگری آمده «مهاجرت شکلی از تحرکات جغرافیایی یا مکانی است که بین دو منطقه و اقامت پیوسته در منطقه‌ای دیگر می‌باشد که آن را مهاجرت دائمی می‌گویند» (روند کنونی مهاجرت داخلی در ایران، ۱۳۶۲، ص ۱۰)

در مقاله مهاجرت و شهرنشینی مندرج در کتاب جمعیت و توسعه درباره تعریف مهاجرت این گونه بیان شده است: «معنی کلمه مهاجرت عبارت است از کوچ و جابجایی جمعیت از نقطه‌ای به نقطه دیگر. در این مفهوم، حتی می‌توان نقل مکان فردی یا خانواری را از یک محله شهر به محله دیگر نیز مهاجرت تلقی کرد.» (زنجانی، ص ۱۹۳)

انواع مهاجرت

پدیده مهاجرت در یک دسته بندی به دو نوع داخلی و خارجی تقسیم می‌شود که به اختصار به تعاریف هر یک اشاره می‌شود.

مهاجرت داخلی

در تعریف مهاجرت داخلی آمده است: «جابجایی جمعیت در داخل مرزهای یک کشور و یا حدود و ثغور معینی را مهاجرت داخلی می‌نامند.» (زنجان، ۱۳۷۱، ص ۲) موریچ معتقد است: «مهاجرت روستا - شهری نشان دهنده یک انتقال اصلی در ساختار مرکزی جامعه است که در آن مردم از اجتماعات کوچک تر کشاورزی به اجتماعات بزرگ تر و عمدتاً غیر کشاورزی حرکت می‌کنند.» (دعاگویان، ۱۳۷۷، ص ۲۳) در کتاب شهرنشینی در ایران آمده: «مهاجرت به مفهوم جابجایی جمعیت از روستا به شهر و از شهر به شهر در ایران از اواخر قرن شمس گذشته محسوس و نمایان گردید.» (اعتماد، ۱۳۷۱، ص ۶۹) باید توجه داشت برخی محققان مهاجرت را تنها یک انتخاب می‌دانند و گروه دیگر آن را صرفاً خارج از اراده می‌دانند که هیچ یک از این نظرات صحیح به نظر نمی‌رسد. «در اغلب موارد می‌توان مهاجرت را نوعی انتخاب از طرف مهاجر اصلی دانست. در اینجا تفکیک بین مهاجر اصلی و افرادی که همراه وی از محل اقامت خود به محل جدید عزیمت می‌کنند ضروری است و چه بسا در مواردی بین خواست و انتخاب این دو گروه همسانی و همسویی کامل وجود نداشته باشد. افرادی که خود تصمیم گیر اصلی مهاجرت نباشند و به دنبال مهاجر اصلی یا بر اثر مهاجرت وی اقدام به مهاجرت کنند تبعی نامیده می‌شوند. تعداد مهاجران تبعی معمولاً بیش از مهاجران اصلی است و مسایل و مشکلات مهاجرت نیز بیشتر از آنان نشأت گرفته و بر آن تحمیل می‌شود.» (زنجان، ۱۳۸۰، ص ۵)

مهاجرت خارجی

یکی دیگر از انواع مهاجرت که اهمیت شایان توجه و به سزایی دارد مهاجرت خارجی است. برخی محققان تفاوت کوچکی بین مهاجرت بین المللی و مهاجرت خارجی قایل هستند. مهاجرت بین المللی بین دو کشور مستقل انجام می‌گیرد. مهاجرت های خارجی بین دو سرزمینی جریان می‌یابد که در عرف بین المللی حداقل یکی از آن دو کشور مستقل محسوب نمی‌شود. (زنجان، ۱۳۸۰، ص ۸) مهاجرت خارجی تحت تأثیر عوامل مختلف، امروزه در حد وسیعی صورت می‌گیرد. «عواملی نظیر سواد، ارتباطات، مهاجرت های داخلی، بالا رفتن میزان انتظارات و غیره در روند مهاجرت های بین المللی تأثیر فراوان دارند.» (شیخی، ۱۳۷۵، ص ۹۹)

مبانی نظری

از آنجا که مهاجرت، موضوع بین رشته‌ای علوم انسانی، اجتماعی و اقتصادی است، آراء و نظریه‌های گوناگونی درباره آن وجود دارد که هر یک از آنها به مصادیق خاصی از مهاجرت پرداخته است و موضوع را در قالب نگرش‌های خاص خود بررسی و تحلیل کرده‌اند. به همین دلیل نظریه‌های مهاجرت همه جا شمول نبوده و قادر به تبیین انواع مهاجرت‌ها نیست. بی‌تردید نگرش‌های اقتصادی جایگاه رفیعی دارد و در کنار آن، نگرش‌های سیاسی، اجتماعی و سیستمی هم قابل ذکرند.

۱) دیدگاه اقتصادی

از دیدگاه اقتصادی با نظریه کلاسیک‌ها، نئو کلاسیک‌ها، اقتصاد جدید مهاجرت و نظریه بازار دوگانه مواجه هستیم. نظریه کلاسیک‌ها با آراء و عقاید آدام اسمیت^(۱) اقتصاد دان کلاسیک و پیروان وی شکل گرفت. طبق آن نظریه، مهاجرت‌ها اعم از داخلی و بین‌المللی مکانیزمی برای باز توزیع نیروی کار است. وی کارگران مهاجر را نیز تابع قانون عرضه و تقاضا می‌دانست و آن را نه تنها باعث رشد اقتصادی دو منطقه مهاجرپذیر و مهاجر فرست بلکه وسیله‌ای برای بهبود وضع کار و اشتغال به شمار می‌آورد. (زنجان، ۱۳۸۰، صص ۱۲۰-۱۲۱)

نظریه نئوکلاسیک‌ها با عقاید ساستاد^(۲)، هاریس^(۳) و تودارو^(۴) شکل گرفت. بر پایه این نظریه از لحاظ کلان اقتصادی هر جا عرضه نیروی کار بیش از سرمایه باشد، دستمزدها رو به کاهش می‌گذارد. درجایی که انباشت سرمایه بیشتر باشد، دستمزدها سیر صعودی می‌یابد. این وضع، مهاجرت نیروی کار را از منطقه نخست به منطقه دوم برمی‌انگیزد و تعادلی بین دستمزدها و نیروی کار ایجاد می‌کند و شکاف بین دستمزدها در دو منطقه کاهش می‌یابد و زمانی که تفاوت آن به سطح هزینه‌های مهاجرت تقلیل یابد، مهاجرت متوقف می‌شود.

بر اساس نظریه اقتصاد جدید، مهاجرت‌ها در شرایطی که تفاوتی بین دستمزدها در مبدأ و مقصد وجود نداشته باشد باز هم انجام می‌گیرد. پدیده مهاجرت برانگیزنده مهاجرت‌های جدید می‌گردد و تازمانی که بازار مطمئن و مناسبی برای اشتغال در کشورهای در حال توسعه وجود نداشته باشد مهاجرت ادامه خواهد داشت و این امر به تعدیل فقر و محرومیت نسبی

1- Adam Smith

2- Larry A Sjaastad

3- G.R. Harris

4- Michael P Todaro

و کاهش مهاجرت منجر می‌شود.

براساس نظریه بازار دوگانه اقتصادی، مهاجرت نتیجه تقاضای دائمی به کارگران خارجی است که از ویژگی‌های ذاتی ساختاری - اقتصادی کشورهای توسعه یافته می‌باشد. در کشورهای توسعه یافته دستمزدها علاوه بر انعکاس شرایط عرضه و تقاضا، وسیله‌ای برای تأمین منزلت و حیثیت افراد است. از انتقال کارگران خارجی در سلسله مراتب بالای شغلی جلوگیری می‌شود. کارگران ماهر و بومی به عنوان سرمایه‌های اصلی تلقی شده و وضعیت تثبیت شده‌ای دارند. در مقابل کارگران خارجی اغلب غیر ماهرند و به همین دلیل پیدا کردن جایگزین آنان آسان‌تر بوده و هزینه زیادی را به کارفرما تحمیل نمی‌کند. تجاری شدن تولیدات کشاورزی و تقاضای روز افزون برای آنها، یک پارچه شدن زمین‌های کشاورزی و کشت عمقی، استفاده از فن‌آوری بالا را در حومه و حاشیه پیش می‌آورد که نیاز به نیروی کار را کاهش می‌دهد و مهاجرت‌های روستا - شهری تشدید شده، باعث ایجاد مازاد نیروی کار در نقاط شهری می‌شود که نتیجه آن، افزایش بیکاری و سوق دادن نیروی انسانی به فعالیت‌های خدماتی است. لذا تعداد زیادی از خانوارها حاشیه‌ای می‌شوند و روند انتقال نیروی انسانی از حاشیه به مرکز و اشتغال آنها در فعالیت‌های غیر متشکل اقتصادی، باعث نفوذ سرمایه‌های حاشیه‌ای به داخل بدنه می‌شود. (زنجان، ۱۳۸۰، صص ۱۲۸-۱۲۰)

۲) دیدگاه اجتماعی

علی‌رغم اهمیت عوامل اقتصادی، در مواردی مهاجرت‌ها برای دوزی جستن از شرایط و اوضاع و احوال تهدید کننده حیات انسانی انجام می‌شود و در مواردی برای سکونت در نقاط خوش آب و هوا یا زندگی در بطن جامعه، قوم یا فرهنگ خودی، انجام می‌شود که نه تنها ممکن است انگیزه‌های اقتصادی نداشته باشد بلکه حتی در جهت عکس آن جریان یابد.

قبول این واقعیت که مهاجرت همواره ارادی نیست و دانش‌ها و کنش‌های متنوعی در مبدأ و مقصد مهاجرتی وجود دارد که فرد را به ماندن در محل یا مهاجرت از آن بر می‌انگیزند، تأثیر گرفتن مهاجرت از عوامل اقتصادی را مورد نفی قرار می‌دهد. (زنجان، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸)

۳) دیدگاه سیاسی

تبیین مهاجرت با نگرش‌های سیاسی در وهله اول به قوانین یا مقرراتی برمی‌گردد که معمولاً به صورت یک طرفه از سوی کشورهای مهاجرپذیر برای تسهیل پذیرش مهاجران از

بعضی سرزمین‌ها و جلوگیری و محدود کردن آن از برخی دیگر انجام می‌گیرد. علاوه بر آن، قوانین و مقرراتی نیز برای تابعیت خونی، پذیرش مهاجران رانده شده و پناهندگان وجود دارد که در اغلب آنها به مهاجرت از دید سیاسی نگاه می‌شود. هرچند که در مواردی بر جنبه‌های انسانی و بشر دوستانه نیز تأکید می‌شود، در این موارد نیز ملاحظات سیاسی اولویت‌های دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

یکی از جنبه‌های غیر ملموس مهاجرت‌های سیاسی به ترکیب قومی، نژادی و فرهنگی کشورهای مهاجرفرست بر می‌گردد. اعمال سیاست‌های زور مدارانه در مواردی به ایجاد نوعی بی تفاوتی به آرمان‌های محلی در برخی قومیت‌ها منجر می‌شود و سخت‌گیری‌های بعدی گروه حاکم، آنان را به ناراضیان سیاسی تبدیل می‌نماید. (زنجان، ۱۳۸۰، صص ۱۲۹-۱۲۸).

۴) دیدگاه سیستمی

باتوجه به خرده‌گیری‌هایی که به گرایش‌های اقتصاددانان مطرح شده، برخی محققان عقیده دارند مهاجرت‌های بین‌المللی که بین سرزمین‌های مبدأ و مقصد مهاجرتی جریان می‌یابند به طور تنگاتنگی با سایر علقه‌های موجود بین آن دو ارتباط دارند. علقه‌هایی که در هم تنیده شده، سیستمی را به وجود می‌آورد که مهاجرت را شکل داده و به جریانی پویا و بالنده تبدیل می‌کند. از نظر آنان ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نه به صورتی تنها و جدا از هم بر مهاجرت تأثیر می‌گذارند بلکه به عنوان مجموعه‌ای تفکیک‌ناپذیر، بستر لازم را برای مبادلات مهاجرتی فراهم کرده و آن را تداوم می‌بخشند.^(۱) (زنجان، ۱۳۸۰، صص ۱۳۰)

وضعیت مهاجرت جوانان در ایران

جوانان نیروهای فعال و پویای جامعه محسوب می‌شوند و نوعاً گرایش به تغییر و تحول در سنین جوانی بروز می‌کند. باید به این نکته عمیقاً توجه داشت که آنها در شکل‌گیری مهاجرت برای سایر گروه‌های سنی نیز نقش محوری ایفای می‌کنند. در مطالعات روستایی ایران

۱- برای اطلاع بیشتر از نظریات اندیشمندانی چون روانشتاین، لاری ساستاد، اورت سی‌لی، زیپف آرتورلوئیس و تودارو در خصوص پدیده مهاجرت می‌توان به (زنجان، ۱۳۸۰، صص ۱۳۶-۱۳۰)، (زنجان، جمعیت و توسعه، صص ۲۰۲) و (فصلنامه جمعیت، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۷۶) مراجعه کرد.

معلوم شده است از میان مهاجران روستایی نسبت مهاجرت مردان جوان بر گروه‌های سنی و جنسی دیگر غلبه دارد. (تورمینایی، ص ۱۲۵). در بررسی دیگری که انجام شده، نقش جوانان در مهاجرت به نقاط دوردست برای فعالیت‌های اقتصادی و بعضاً آموزشی به خوبی مشخص شده است. (نظری به جغرافیای جمعیت ایران، صص ۵۹-۵۶)

باتوجه به این که موضوع مطالعه، در خصوص جوانان کشور است، میزان جمعیت جامعه جوان با توجه به آمار به دست آمده در سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به شرح این جدول استنتاج می‌شود. (فصلنامه جمعیت، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۶)

جدول شماره ۱- بررسی وضعیت جمعیت جوانان کشور در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

۱۳۷۵		۱۳۶۵		گروه‌های سنی	ردیف
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۱۱/۸۵	۷۱۱۶۰۰۰	۱۰/۵۰	۵۱۹۲۰۰۰	۱۵-۱۹ ساله	۱
۸/۷۰	۵۲۲۲۰۰۰	۸/۳۸	۳۱۹۳۰۰۰	۲۰-۲۴ ساله	۲
۷/۸۲	۳۷۰۹۰۰۰	۷/۳۹	۳۶۵۲۰۰۰	۲۵-۲۹ ساله	۳
۲۸/۳۹	۱۷۰۳۷۰۰۰	۲۶/۳۷	۱۳۰۳۸۰۰۰	جمع گروه‌های سنی فوق	۳
۱۰۰	۶۰۰۵۵۰۰۰	۱۰۰	۴۹۳۳۵۰۰۰	جمع کل جمعیت کشور	

بررسی جدول فوق نشان می‌دهد:

- ۱- گروه‌های سنی جوان بین ۱۵-۲۹ ساله در سال ۱۳۶۵، بالغ بر ۱۳ میلیون نفر از جمعیت ۴۹ میلیون نفری کشور معادل ۲۶/۳۷ درصد جمعیت را شامل می‌شود.
- ۲- گروه سنی فوق در سال ۱۳۷۵، بالغ بر ۱۷ میلیون نفر از جمعیت ۶۰ میلیون نفری کل کشور را تشکیل می‌دهد که ۲۸/۳۹ درصد جمعیت کل کشور را شامل می‌شود.
- ۳- مقایسه این ارقام، رشد جمعیت جوان کشور را در فاصله ده ساله میان دوسرشماری به خوبی نشان می‌دهد.

همچنین طبق برآورد جمعیتی توسط سازمان یونسکو، گروه‌های سنی جوانان در کشورمان در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۲۰ میلیون نفر بالغ می‌شود که ۳۲ درصد جمعیت کل کشور است و این درصد در مقایسه با آمار سال ۱۳۷۵ باز هم حاکی از افزایش جمعیت جوان کشور است. مطابق آمار موجود، حجم و نرخ جابجایی جمعیت ایران در سال‌های گذشته روبه افزایش

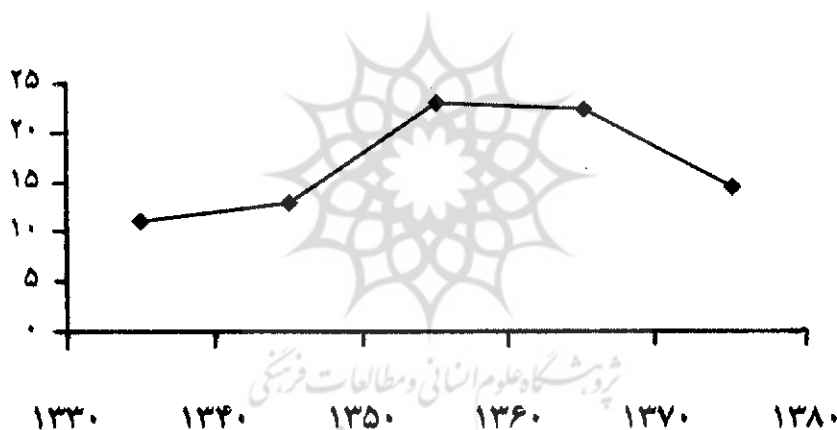
بوده است. بر طبق یک تقسیم بندی، مهاجرت‌های داخلی به سه دوره تقسیم می‌شوند: مرحله نخست از سال ۱۲۶۰ تا ۱۳۰۰ این دوره از مهاجرت‌های روستایی که در آن آهنگ مهاجرت خیلی آهسته و نزدیک صفر بود، تحت عنوان مهاجرت‌های کند و بطيء نامیده می‌شود. مرحله دوم از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ است. در این دوره آهنگ مهاجرت نسبت به دوره پیشین اندکی افزایش یافت اما هنوز در سطحی پایین قرار داشت و به همین جهت از مهاجرت‌های این دوره تحت عنوان نیمه بطيء نام می‌برند. مرحله سوم از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۶۵ است که به دلیل اجرای اصلاحات ارضی و ظهور تدریجی آثار آن در روستاهای کشور و دگرگونی‌های اساسی در شهرها، مهاجرت آهنگی سریع می‌یابد. مهاجرت‌های این دوره را مهاجرت‌های سریع می‌نامند. (تورمینایی، شماره ۱۲۵، ص ۵۱)

به طور کلی از لحاظ آمار وضعیت مهاجرت در کشور، فواصل سرشماری‌های انجام شده نفوس و مسکن در کشور به این شرح بوده است: «بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵ تعداد جمعیت مهاجر در کشور بیش از ۲ میلیون نفر یعنی ۱۰/۹۸ درصد جمعیت کل کشور بوده است. در سال ۱۳۴۵ این تعداد به بیش از ۳ میلیون نفر یعنی ۱۲/۵۸ درصد رسیده است و بالاخره سرشماری عمومی ۱۳۵۵ نشان می‌دهد حدود بالغ بر ۷ نفر میلیون نفر یعنی ۲۲/۹۵ درصد از جمعیت کل کشور را جمعیت مهاجر تشکیل می‌دهد.» (اعتماد، ۱۳۷۱، صص ۹۶-۸۷)

در سال ۱۳۶۵ نیز از ۴۹ میلیون نفر جمعیت کل کشور بیش از ۱۰ میلیون نفر مهاجر تلقی می‌شوند که ۲۲/۳ درصد را شامل می‌شوند. در سرشماری سال ۱۳۷۵ از مجموع ۶۰ میلیون نفر جمعیت کشور بالغ بر ۸ میلیون نفر را مهاجران تشکیل می‌دهند که به ۱۴/۵۲ درصد بالغ می‌شوند. (سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور، ۱۳۷۵، ص ۴). با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان سیر مهاجرت‌های داخلی از فاصله سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ را در قالب جدول و نمودار مشاهده نمود.

جدول شماره ۲ - بررسی میزان مهاجرت‌های داخلی به نسبت جمعیت در دهه‌های سرشماری

ردیف	سال سرشماری	میزان مهاجرت	درصد مهاجرت نسبت به جمعیت
۱	۱۳۳۵	۲۰۸۱۱۰۰	۱۰/۹۸
۲	۱۳۴۵	۳۲۲۳۰۰۰	۱۲/۸۵
۳	۱۳۵۵	۷۷۳۷۰۰۰	۲۲/۹۵
۴	۱۳۶۵	۱۰۹۴۶۵۱۷	۲۲/۳۰
۵	۱۳۷۵	۸۷۱۸۷۷۰	۱۴/۵۲



بررسی جدول و نمودار فوق، رشد فزاینده مهاجرت‌های داخلی نسبت به جمعیت را در فواصل دهه ۴۰ تا ۵۰ نشان می‌دهد که تقریباً همین ویژگی تا سال ۱۳۶۵ پایدار مانده است. از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ از رشد مهاجرت‌ها کاسته شده و شاهد نزول مهاجرت نسبت به رشد جمعیت هستیم. هر چند که حجم مهاجرت به تنهایی قابل توجه است.

مهاجرت جوانان از ابعاد مختلف

برای شناخت ابعاد مختلف مهاجرت جوانان با استخراج اطلاعات اولیه از جدول شماره ۲ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ویژگی‌های آن در دهه ۶۵ تا ۷۵ بیان می‌شود.

۱- حوزه مهاجرتی: از مجموع کل مهاجران (۸۷۱۸۷۷۰)، جوانان با بیش از ۳ میلیون نفر معادل ۴۰/۸۰ درصد مهاجران را تشکیل می‌دهند. (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص ۱۵) مهاجران جوان در سه حوزه شهرستان‌های سایر استان‌ها، سایر شهرستان‌های استان محل سرشماری و شهرستان محل سرشماری به ترتیب ۴۹ درصد، ۲۸ درصد و ۳۵/۴۱ درصد کل مهاجران هر حوزه را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین مهاجران جوان وارد شده از شهرستان‌های سایر استان‌ها ۴۰/۵ درصد مهاجران جوان را شامل می‌شوند. به نظر می‌رسد میزان بالای مهاجرت جوانان به شهرستان‌های سایر استان‌ها از این جهت است که معمولاً در این حوزه مهاجرتی، فرد مهاجر با خانواده خود (مهاجران تبعی) اقدام به مهاجرت می‌کند و این برخلاف بخش قابل توجهی از مهاجرت‌های حوزه شهرستان محل سرشماری است که معمولاً از روستا به شهر و به صورت انفرادی شکل می‌گیرد. (جدول ۴ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، مرکز آمار ایران)

۲- محل اقامت قبلی: از لحاظ تفکیک مهاجران جوان به محل اقامت قبلی (شهر و آبادی) این نتایج حاصل می‌شود:

الف - در سطح شهرستان‌های محل سرشماری، ۳۹۷۶۱۴ نفر محل اقامت قبلی خود را شهر و ۷۳۱/۸۷۰ نفر روستا اعلام کرده‌اند، که گویای حجم وسیع مهاجران روستایی به شهرهای متبوع روستاهاست.

ب - در سطح سایر شهرستان‌های استان محل سرشماری ۶۹۰۴۶۴ نفر محل اقامت قبلی خود را شهر و ۱۸۶۳۹۱ نفر روستا معرفی کرده‌اند.

ج - در سطح شهرستان‌های سایر استان‌ها، ۱۲۴۲۵۰۹ نفر محل اقامت قبلی خود را شهر و ۲۰۰۰۱۳ نفر روستا معرفی کرده‌اند (استخراج از جدول ۴ سرشماری و مسکن، مرکز آمار ایران)

۳- جنسیت: از لحاظ تفکیک جنسیتی مهاجران جوان، این نتایج حاصل می‌شود:

الف - از مجموع ۳۵۵۷۷۵۰ نفر مهاجران جوان، مردان با ۲۰۲۹۸۱۱ نفر معادل ۵۷/۰۵ درصد و زنان با ۱۵۲۷۹۳۹ نفر معادل ۴۲/۹۵ درصد را تشکیل می‌دهند.

ب - در مقایسه سه سطح مهاجرتی، مردان جوان، در سطح مهاجرت از شهرستان‌های سایر استان‌ها در مجموع ۹۷۳۳۲۰ نفر معادل ۴۷/۹ درصد جمعیت مردان مهاجر را تشکیل می‌دهند، در حالی که زنان جوان در سطح مهاجرت از شهرستان‌های محل سرشماری در مجموع با

۶۰۶/۶۵۶ نفر معادل ۳۹/۷ درصد جمعیت زنان مهاجر را تشکیل می‌دهند. این امر بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از مهاجرت مردان به نقاط دور دست و مهاجرت زنان به نقاط نزدیک صورت می‌گیرد.

ج - در سطح مهاجرت‌های شهرستان محل سرشماری، مردان جوان ۳۲/۲۱ درصد مردان مهاجر را تشکیل می‌دهند و زنان جوان ۳۸/۷۴ درصد زنان مهاجر را دارا هستند.

در سطح مهاجرت‌ها از سایر شهرستان‌های استان محل سرشماری، مردان جوان ۳۷/۷۶ درصد مردان مهاجر را تشکیل می‌دهند و زنان جوان ۳۸/۲۵ درصد زنان مهاجر را دارا هستند.

در سطح مهاجرت از شهرستان‌های سایر استان‌ها، مردان جوان ۵۴/۴۴ درصد مردان مهاجر را تشکیل می‌دهند و زنان جوان ۴۰/۷۲ درصد زنان مهاجر را تشکیل می‌دهند. (استخراج از جدول ۴ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، مرکز آمار ایران)

۲- توزیع جغرافیایی: از لحاظ تفکیک مهاجران در سطح استان‌ها این نتایج حاصل می‌شود:

الف - استان‌های تهران، خراسان، خوزستان، مازندران، اصفهان و فارس بیشترین خروجی مهاجرت در کلیه سنین در سطح استان و سایر استان‌ها را داشته‌اند و از لحاظ مهاجرت جوانان همین نتیجه وجود دارد.

ب - استان‌های سمنان، قم، یزد، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری، زنجان و هرمزگان کمترین میزان خروجی مهاجرت در کلیه سنین در سطح استان و سایر استان‌ها را داشته‌اند. از لحاظ مهاجرت جوانان همین استان‌ها با تغییرات کمی به این ترتیب که قم، سمنان، یزد، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. (استخراج از جدول سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران)

۵- مقایسه جمعیتی جغرافیایی: از لحاظ تفکیک مهاجران جوان نسبت به جمعیت استان مبدا، نتایج دیگری حاصل می‌شود که قابل توجه است:

الف - استان‌های کردستان، ایلام، خوزستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و مرکزی بیشترین میزان مهاجرت فرستی را در سطح استان و سایر استان‌ها دارند.

ب - استان‌های قم، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان، یزد و چهارمحال بختیاری کمترین میزان مهاجرت فرستی را در همان سطح دارند. (استخراج از جداول ۱ و ۴ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، مرکزی آمار ایران)

۶- ورود و خروج به استان‌ها: در مقایسه آمار مهاجران وارد شده و خارج شده بین استان‌ها در کلیه سنین، این نتایج حاصل می‌شود:

الف - بررسی استان‌های کشور از نظر مهاجرپذیری و مهاجر فرستی نشان می‌دهد که ۶ استان از ۲۶ استان به ترتیب استان‌های تهران، اصفهان، خوزستان، قم، سمنان و یزد مهاجر پذیر بوده‌اند و رقم خالص مهاجرت در آنها مثبت است. در بین این استان‌ها، استان تهران بیشترین رقم خالص مهاجرت و استان یزد کمترین رقم خالص مهاجرت را داشته است.

ب - استان‌های آذربایجان شرقی، کرمانشاه، لرستان، همدان، و اردبیل بیش از سایر استان‌ها مهاجر فرست بوده و کمتر مهاجر پذیرفته‌اند. (مهاجرت‌های استانی، ۱۳۷۷، ص ۱۵)

ج - بیشترین مهاجران وارد شده به استان تهران از استان‌های آذربایجان شرقی، خراسان، گیلان، همدان، مازندران و اردبیل است و کمترین میزان مهاجر فرستی به استان تهران مربوط به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری، ایلام، سیستان و بلوچستان، بوشهر و یزد می‌باشد.

د - با توجه به خالص مهاجرت (تفاوت مهاجران وارد شده و خارج شده) به تهران و از تهران، استان‌های آذربایجان شرقی، همدان، اردبیل، زنجان، کرمانشاه و گیلان به ترتیب بیشترین مهاجران را به استان تهران داشته‌اند و بر همین اساس کمترین مهاجران به استان تهران مربوط به استان‌های سمنان، یزد، قم، کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان است. (استخراج از مهاجرت‌های استانی، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷، ص ۳۷)

پیامدهای مهاجرت و تبعات امنیتی آن

شکل‌گیری مهاجرت‌های بی‌رویه دارای تبعات و پیامدهای منفی و خطرناکی است که در برخی موارد می‌تواند تهدید کننده سلامت اجتماعی و امنیت ملی بوده و دارای عوارض فرهنگی، اجتماعی و امنیتی باشد. تحت تأثیر مهاجرت‌های بی‌رویه، مناطق مهاجر فرست دچار کمبود نیروی انسانی خلاق، پویا و جوان گردد و مناطق و بخش‌های مهاجر پذیر کشور مواجه با امواج فزاینده مهاجران، دچار فقر، رشد روزافزون بیکاری، حاشیه نشینی و انواع ناهنجاری‌های عاطفی و روانی می‌گردند، حال پیامدهای مهاجرت مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- شکل‌گیری حاشیه نشینی و آثار منفی آن: از آنجا که حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که محصول و نتیجه مستقیم مهاجرت محسوب می‌شود، لذا شناخت آن و پدیده‌های مرتبط با آن

از اهمیتی بالا برخوردار است. «حاشیه‌نشین کسی است که در محدوده شهر ساکن می‌باشد اما جذب نظام اجتماعی - اقتصادی شهر نشده و به عنوان یک شهروند مشروع در جامعه شهری نیز پذیرفته نگردیده است بلکه موقتاً و به صورت وابسته از بازار کار و تأسیسات شهری استفاده می‌کند.» (صدیق، ۱۳۷۷، ص ۲۷)

همچنین در تعریف حاشیه‌نشینی آمده است که «حاشیه‌نشینی به شیوه جدیدی از زندگی اطلاق می‌شود که با تراکم بیش از حد جمعیت، تعارض فرهنگی، ناخواندگی و ناخواستگی، بیکاری و مشاغل کاذب، خشونت و جرم و جنایت، فشار زیاد از حد بر امکانات و تأسیسات محدود شهری، بی نظمی، بی ثباتی، بی هویتی و بالاخره احساس حقارت و اضطراب و آمادگی برای آشوب و انفجار همراه است. با این وصف، حاشیه‌نشینی نوعی شیوه نامناسب از تجمع انسانی است که خود علاوه بر آنکه عاری از ثبات و امنیت می‌باشد در عین حال تهدیدکننده ثبات و امنیت دیگران نیز است.» (صدیق، ۱۳۷۷، ص ۲۷)

«حاشیه نشینی در واقع حاصل اشتغال حاشیه‌ای مهاجران است که به موجب آن هرگز دستمزد آنها تکاپوی یک زندگی حداقل در درون شهر را نمی‌دهد» (اعتماد، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱) با توجه به بررسی‌های انجام شده، ویژگی‌های حاشیه‌نشینی از این قرار است:
الف- استقرار در مناطق فقیر نشین به عنوان عاملی برای توسعه فرهنگ فقر؛
ب- دفاع جدی از موجودیت خود علی‌رغم همبستگی اجتماعی ضعیف در بین خود؛
ج- اعتقاد صرف به مسئولیت دولت در رابطه با وضعیت خود و نادیده گرفتن نقاط ضعف خویش؛

د- افزایش روحیه تضاد و مبارزه منفی به ویژه در میان نسل‌های دوم به بعد. (زنجان، مقاله مهاجرت و حاشیه‌نشینی، صص ۲۰۸-۲۰۷)؛

ه- عدم تجانس بین حاشیه‌نشینان و شهرنشینی به عنوان عمده‌ترین عامل زایش بزهکاری‌های اجتماعی و جرایم. (دادرس، ۱۳۷۴، ص ۵۸)

۲- افزایش یا کاهش جمعیت، تغییر ترکیب جمعیت، تسریع رشد جمعیت شهری و تخفیف رشد جمعیت روستایی، ایجاد تنوع فرهنگی و انتقال تجربیات و نوآوری‌ها و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آنها، (زنجان، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸)

۳- پیدایش مشاغل کاذب، دلالی و توسعه مصرف‌گرایی؛

۴- اشاعه فردگرایی، انزواطلبی و بی‌اعتمادی و کم‌کشتگی فرهنگی؛

- ۵- گسیختگی و عدم تعادل فرهنگی؛
 - ۶- سست شدن ابعاد و انسجام خانواده؛
 - ۷- عدم احترام به قانون و توسعه مفاسد اجتماعی؛
 - ۸- نفی و حذف ارتباطات تعاونی و عاطفی خانوادگی و وابستگی به سازمان‌های رسمی؛
 - ۹- بی‌نام و نشان شدن افراد، بی‌هویتی و تضعیف جریان پذیرش اجتماعی؛
 - ۱۰- بروز اضطراب، تشویش و ناهنجاری‌های رفتاری و روانی. (دادرس، ۱۳۷۴، ص ۵۹) در همین رابطه باید اضافه کرد مهاجرتی که کار خود را از دست می‌دهند اغلب به واکنش‌های نامطلوبی مبتلا می‌شوند. در آنان ضربه شدید روانی و بی‌خوابی حادث شده و بعضاً به اعتیاد روی می‌آورند. (ناظمیان، ۱۳۷۴، ص ۱۱۰)
- طبق بررسی‌های انجام شده، حاشیه‌نشینان دارای مجموعه‌ای از خصوصیات هستند:
- ۱- اجتماع‌های آلونک‌نشین، در زمینه‌های منافع مشترک بویژه مربوط به تخلیه مسکن، فوق‌العاده متجانس و دارای همبستگی می‌باشند؛
 - ۲- درصد بالایی از ساکنان مناطق آلونک‌نشین از وضع فعلی خود راضی‌اند و حاضر به بازگشت به روستا نیستند؛
 - ۳- درصد بالایی از بزرگسالان بی‌سوادند و جوان‌ترها نیز معمولاً به ادامه تحصیل راغب نمی‌باشند؛
 - ۴- در مورد مسایل جمعی و اتفاقاتی که به سرنوشت اجتماع آلونک‌نشین مربوط می‌شود، سخت‌سازمان یافته و متحجر عمل می‌کنند؛
 - ۵- به علت بی‌ثباتی شغلی و تزلزل مسکن، نسبت به غریبه‌ها مشکوک و برای پرسش‌های مسئله‌ساز، پاسخ‌های کلیشه‌ای یکسان آماده دارند؛
 - ۶- به اهمیت مسکن خود واقفند و حاضر نیستند به هیچ قیمتی آن را از دست بدهند؛
 - ۷- قدرگرا و دارای انگیزه محدود می‌باشند؛
 - ۸- بیشتر ساکنان مناطق آلونک‌نشین با مبدأ مهاجرت یا موطن خود در ارتباط دائم بوده و همین ارتباط سبب مهاجرت بیشتر هم ولایتی‌ها، اقوام و آشنایان ایشان و اقامت در اجتماع آلونک‌نشین می‌گردد؛
 - ۹- به علت مشکلات اقتصادی و فقر مزمنی که دامنگیر اکثریت ساکنان اجتماع‌های آلونک‌نشین است، استعداد رشد آسیب‌های اجتماعی در این قبیل مناطق از سایر نقاط بالاتر می‌باشد؛

۱۰- ساکنان جوامع آلونک‌نشین در اجتماع کل شهر جذب شده و به خاطر محل اقامت خود کمتر با مسئله‌ای روبه رو هستند. لیکن در اطراف محل استقرار، اجتماع آلونک‌نشین، مورد تحقیق قرار گرفته و با محیط پیرامون احساس خصومت می‌کنند؛

۱۱- تزلزل شغلی، عدم احساس امنیت در مورد سرپناه و احساس حقارت و زندگی در محل غیرقانونی، سبب شده است تا درصد بالایی از ساکنان دچار اضطراب شدید و عوارض روانی ناشی از آن شوند. (صدیق، ۱۳۷۸، ص ۲۶)

دکتر صدیق سروسنانی با توجه به تجربه تحقیقاتی و مطالعاتی خویش در مورد مناطق مختلف حاشیه‌نشین اطراف تهران و برخی شهرهای دیگر بعضی از ویژگی‌های بارز حاشیه‌نشینی را اینچنین بیان می‌کند:

۱- مهاجر بودن؛

۲- تراکم جمعیت و تنگی جا و بزرگی بعد خانوار؛

۳- مشاغل کاذب، بیکاری و بیکاری فصلی و درآمد کم؛

۴- بزهکاری؛

۵- بدهکاری؛

۶- فشار بر امکانات و تأسیسات محدود شهری؛

۷- نزاع‌های دائمی با همسایگان و رواج ضرب و جرح؛

۸- احساس ناخواندگی و ناخواستگی؛

۹- احساس عدم امنیت؛

۱۰- اضطراب و افسردگی؛

۱۱- بحران هویت فردی و جمعی؛

۱۲- زندگی در مسکن غیرقانونی؛

۱۳- مفاسد جنسی؛

۱۴- بی‌نظمی و بی‌ثباتی... (صدیق، ۱۳۷۸، ص ۲۷)

ظهور رفتارهای ضداجتماعی و بزهکاری در میان نوجوانان و جوانان شیوع بیشتری دارد. در میان مهاجران و حاشیه‌نشینان، کودکان از سنین پایین برای تأمین نیازمندی‌های فردی و خانوادگی آماده کار و تهیه پول می‌شوند و در اثر فقدان اشتغال مناسب و سالم به سوی فعالیت‌های غیرقانونی که معمولاً در آمد آن بیش از اندازه‌ای است که در فعالیت‌های

قانونی به دست می‌آید، کشیده می‌شوند. نوجوانان و جوانان حاشیه نشین از بسیاری مواهب سالم و مزایای اقتصادی بی‌بهره‌اند و بدین ترتیب پسران جوان و حتی گاهی اوقات دختران سرخورده از به دست آوردن شغل مناسب برای تأمین زندگی به دزدی، خودفروشی و حتی جنایت گرایش می‌یابند. جوانان حاشیه نشین به تدریج راه و رسم سنتی را زیر پا نهاده و در یک وضعیت انتقالی و دگرگونی ارزش‌ها و آداب و رسوم قرار می‌گیرند و در یک حالت کشمکش مداوم و نابسامانی درونی به سر می‌برند. گاه رفتار ضداجتماعی آنان به صورت پرخاشگری برضد قواعد اخلاقی و احتمالی جامعه ظاهر شده و اغلب هم منجر به بزهکاری علیه قانون و آداب و سنن می‌شود. (دادرس، ۱۳۷۴، ص ۷۶)

بررسی بیشتر آثار سایر اندیشمندان و جامعه‌شناسان نیز رابطه معنادار میان مهاجرت و ارتکاب جرم را مورد تأکید قرار می‌دهد. پروفیسور لئوته می‌نویسد: «بعضی افراد اگر در زادگاه و محیط سنتی خویش با پر جا می‌ماندند، در برابر وسوسه‌های جرم‌انگیز بهتر می‌توانستند مقاومت ورزند و حال آن‌که با جلائی وطن در برابر این‌گونه تحریکات شیطانی از پا در می‌آیند و تسلیم می‌شوند.» افرادی که در زیستگاه و اقامتگاه اصلی خود دچار سرگشتگی و پریشان‌خاطری می‌گردند، بدون برنامه‌های مشخص و برای فرار از بحران‌های روانی که معتقدند جامعه بر آنان روا داشته، به محل‌های دیگر مهاجرت می‌کنند. بی‌نظمی‌های این عناصر متحرک بسیار خطرناک بوده و تبهکاری فوق‌العاده‌ای از آنان ساطع می‌شود... جوانانی که به تنهایی و بدون یار و یاور محیط گرم و پرمحبت خانواده را رها می‌سازند و به امید تحقق آمال و آرزوهای خویش، زادگاه خود را ترک می‌کنند غم‌انگیزترین و جنون‌آورترین سرنوشت مهاجرت را دارند و ظن بروز حالت خطرناک و ارتکاب جرایم در آنان بیش از مهاجران خانوادگی یا گروهی و دسته جمعی است... مهاجران مخصوصاً روستاییان از ترس بیکار ماندن، طاقت فرساترین کارها را انجام می‌دهند. خستگی جسمی، تغذیه بد، نداشتن وسایل رفاه و آسایش، جسم آنان را تحلیل داده و مستعد به بیماری‌های گوناگون می‌نماید و اکثر آنان مبتلا به پیری زودرس می‌شوند. یأس و نومییدی و غم دوری از خانواده، احساس حقارت از بی‌اعتنایی و غرور و تکبر شهرنشینان سبب زجر روانی جوانان مهاجر می‌گردد و چون فشار محیط اجتماعی، قدرت مقاومت را از آنان سلب می‌کند، با اندک برخورد، کنترل خود را از دست داده و مرتکب ضرب و جرح، قتل و جرایم خشن می‌گردند... مجرمان حرفه‌ای غالباً با استفاده از ساده لوحی و بی‌تجربگی جوانان مهاجر، آنان را در میادین کاریابی، و چهار راه‌ها و صف

سینماها و... با ابراز هم دردی و طرح دوستی به سوی ارتکاب جرایم می‌کشانند. (خلعتبری، ۱۳۸۱، صص ۸۹-۸۵)^(۱)

نتایج بررسی‌ها و مطالعات موردی، گویای ارتباط انواع مختلف بزهکاری‌ها، جرائم و ناامنی‌ها با مهاجرت‌های بی‌رویه و حاشیه‌نشینی است که به ذکر دو نمونه اکتفا می‌شود.

(۱) بررسی انجام شده در مورد ۱۲۵۰ خانوار از منطقه ۱۵ تهران، بیانگر آن است که ۷۳/۶ درصد از پدران و ۶۸/۶ درصد از مادران، مهاجر بوده‌اند و در این جامعه وجود افرار شرور و سابقه‌دار، برخی زنان بزهکار، زنان بی‌سرپرستی که شوهران زندانی یا مجهول‌المکان دارند، سرقت، قتل، اعتیاد، خرید و فروش و مصرف انواع موادمخدر و مشروبات الکلی و پسران ترک تحصیل کرده و آواره بیکار در کوچه و خیابان از ویژگی‌های عمده منطقه مورد نظر می‌باشد. (صدیق، ۱۳۷۸، ص ۲۸)

(۲) در جمع‌بندی‌های انجام شده دربارهٔ معضلات امنیتی و بزهکاری حاشیه شهر مشهد که محدودهٔ وسیعی با جمعیتی بیش از ۶۰۰ هزار نفر را در بر گرفته، به دلیل اینکه مأمی برای انواع بزهکارها شده، تهدیدی برای امنیت شهر و کشور به وجود آورده است. وجود سرقت، کلاهبرداری، خرید و فروش موادمخدر و مشروبات الکلی، زورگیری، قتل، فحشاء و سایر جرایم منکراتی به عنوان جرائم انجام شده در منطقه است. ۶۰ درصد جرایم در این محدوده اتفاق می‌افتد و ریشه بسیاری از ۲۰ درصد جرایم باقیمانده نیز در این محدوده یافت می‌شود. (بیگی، ۱۳۸۳، ص ۴۲)

در یک جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل ارتباط حاشیه‌نشینی و ناامنی به این صورت تبیین می‌شود:

- ۱- فرهنگ فقر و فقر فرهنگی چهره اصلی شیوه زندگی حاشیه‌نشینان را نمودار می‌سازد.
- ۲- جمعیت جوان زیاد و متراکم، فقر، تزلزل شغلی، کم سواد و بی‌سوادی و ترک تحصیل، شرارت، نزاع‌ها، درگیری‌ها و خشونت‌های مستمر، کمبود امکانات تفریحی، ضعف بهداشت،

۱- عبدالحسین خلعتبری در بررسی موضوع مهاجران و سرقت‌های مسلحانه تهران بزرگ در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد، به نتایج معناداری در خصوص ارتباط مهاجرت با موضوع سرقت‌های مسلحانه به عنوان یک نمونه از جرایم دست یافته است که جهت عدم اطاله مقاله از ذکر آن نوع خودداری نموده و خواننده علاقه‌مند را به مطالعه آن دعوت می‌کنم.

اعتیاد، فحشاء، معاملات غیرقانونی، در حاشیه بودن، آشفتگی و افسردگی، هریک و در مجموع حاشیه‌نشین را به کجروی‌های حرفه‌ای سوق می‌دهند و منطقه حاشیه‌نشین را نیز به لحاظ منکراتی کاملاً فعال می‌کنند.

۳- حاشیه‌نشینی به دو نظام فرهنگی قبل از مهاجرت «روستایی» و بعد از آن «شهری» وابسته است و در عین حال به هیچیک کاملاً تعلق و تمایل ندارد. این در حاشیه بودن، کسب‌وکاری از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری، نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود خواهد آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود.

۴- همه پژوهشگران شهرها بر این باورند که تداوم فقر بینوایان بدون واکنش سیاسی نخواهد بود و خشونت‌های جنایت‌آمیز را افزایش می‌دهد. (صدیق، ۱۳۷۸، ص ۳۰)

۵- افراد مهاجر از اصل خویش جدا شده و از سنت آباء و اجدادی و تعلق‌هایی که موجب پیوستگی و همبستگی آنها و در نتیجه عاملی مؤثر در کنترل رفتار عمومی‌شان می‌شود دور می‌افتند و نداشتن هویت ثابت، عاملی برای اخلاق رفتاری و بزهکاری است. (زعیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۸) بی‌هویتی، بیکاری، از دست دادن پشتوانه خانوادگی، قومی و قبیله‌ای، دوری از فرهنگ روستایی، رها شدن در انبوه مشکلات و نبود سازمان‌های فرهنگی و اقتصادی حمایت و ارشاد کننده قوی موجب اشاعه اعتیاد، فساد اخلاقی و موارد منکراتی، جرم و جنایت شده است. (پاپلی یزدی، ۱۳۸۳، ص ۵۱)

علل و عوامل مهاجرت

با توجه به بررسی‌های انجام شده در خصوص علت یابی پدیده مهاجرت با انواع مختلفی از عوامل مواجه می‌شویم. در علل مهاجرت‌های داخل کشور، عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا به شهر و شهر به شهرهای بزرگ ذکر می‌شود.

۱) علل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا به شهر

۱- علل مرتبط با زمین، جمعیت، آب و شیوه کشاورزی: برخی روستاها فاقد آب و زمین زراعی هستند. برخی دیگر از دوران اصلاحات ارضی دچار نابسامانی، فقر تولیدی شدیدتر شدند و در برخی روستاها شاهد افزایش جمعیت بوده در حالی که میزان زمین‌های کشاورزی

آنها همواره ثابت هستند (خلجی، کار و کارگر، ۷۷/۵/۲۹) و تقسیم زمین بین فرزندان ذکور کشاورزان طبیعتاً پاسخگوی نیازهای آنان نبوده است. (پاکروان، ۱۳۷۵، ص ۶۱) و مکانیزه شدن کشاورزی از مرحله داشت تا برداشت باعث بیکاری بخشی از نیروهای شاغل در روستا شده است. (خلجی، کار و کارگر، ۷۷/۷/۳۰) و نتیجه این روند انتقال درآمد روستا به شهر جایگزینی ماشین کشاورزی به جای کارگر کشاورزی و در انتها مهاجرت روستایی به شهر می‌باشد. (دادرس، ۱۳۷۴، ص ۸۸)

۲- علل مرتبط با درآمدها و هزینه‌ها: با توجه به ورود ماشین‌های کشاورزی و بیکاری روستاییان، کمبود درآمد روستاییان محسوس گشت. (پاکروان، ۱۳۷۵، ص ۶۲) اختلاف درآمد مردم روستا با شهرنشینان (خلجی، کاروکارگر ۷۷/۷/۲۹) و تفاوت هزینه‌های روستا با شهرها در زمینه حمل و نقل، اسکان و تحصیل فرزندان روستایی در شهرها، و مسافرخانه برای مراجعه به پزشک و سایر موارد اگر محاسبه شوند برای رسیدن به هر کدام یک روستایی باید هزینه‌های بیشتری نسبت به یک شهری متحمل شود. (پاک روان، ۱۳۷۵، صص ۷۶-۷۵)

از سوی دیگر فقدان حمایت منطقی از صنایع دستی روستایی، عدم توزیع صحیح صنایع وابسته به وزارت کشاورزی در محیط روستاها، نبودن صنایع تبدیلی در روستاها و نابود شدن تولیدات دامی، کشاورزی و باغی آنان به معضل بیکاری دامن زده است و اوقات فراغت آنها به هدر می‌رود و به مهاجرت‌های فصلی منجر می‌شود که خود عاملی برای مهاجرت دائم به شهر خواهد شد. (روند کنونی مهاجرت در ایران، وزارت کشور، صص ۲۴-۲۰)

کمبود ضروریات و فقدان خدمات و امور رفاهی مناسب در روستاها نیز حتی در شرایط راضی بودن از درآمد، عاملی قدرتمند جهت سوق روستاییان به شهرها می‌گردد. (دادرس، ۱۳۷۴، صص ۷۹-۷۸)

۳- عوامل محیطی و جوی: بازدهی سرمایه گذاری و کار در بخش کشاورزی تا حدود زیادی بستگی به عواملی مانند اوضاع جوی، موقعیت مکانی، حوادث طبیعی و... دارد. (روند کنونی مهاجرت داخلی، وزارت کشور، ۱۳۶۳، صص ۲۲-۲۱) کشاورز از روزی که دانه را می‌کارد همیشه در آرزوی یک جو متناسب با نوع محصول است. میزان بارندگی، نوع بادهای، بارش برف، بارش باران برای محصولات دیمی، ارزش حیاتی دارد. وزش بادهای گرم در مقطعی از سال می‌تواند اثرات نامطلوبی به جای گذارد. پس از برداشت محصول برای یافتن بازار دائماً دچار دغدغه است و ممکن است زحمات یک ساله از بین برود و در اثر خسارات و اثرات روانی

ناشی از آن ممکن است دچار یأس و ناامیدی شده و ادامه زندگی برای او دشوار گردد. (پاک روان، ۱۳۷۵، صص ۷۲-۷۳)

۴- عوامل ناراضی‌کننده اداری و مخاطرات امنیتی: بسیاری از مشکلات اداری روستاییان در شهر حل می‌شود و فعالیت‌های مربوط به روستاییان وحدت رویه ندارد. از سوی دیگر، مراجع قانونی رسیدگی‌کننده به مشکلات مردم در شهرهاست که بیشتر به امور شهرها می‌پردازد تا روستاها. (روند کنونی مهاجرت داخلی، وزارت کشور، صص ۲۴-۲۵) از جانب دیگر ادامه ناامنی اشرار در برخی مناطق روستایی و مسلح بودن عشایر برخی دیگر از مناطق موجب مهاجرت روستاییان و عدم بازگشت ایشان می‌شود. (پاک روان، ۱۳۷۵، ص ۶۷)

۵- عوامل جاذبه زندگی شهری: نفوذ فرهنگ شهر و ظواهر شهرنشینی بسیاری از روستاییان را به خود جذب می‌کند، ظواهر آراسته، رواج فرهنگ مصرفی و موقعیت‌های اجتماعی ممتاز برخی چهره‌ها در شهرها (پاکروان، ۷۸) و وجود مشاغل کاذب و پردرآمد در شهرها به دلیل گسترش بخش خدمات در شهرها و جذابیت از لحاظ تنوع کار و میزان درآمد (خلجی، کار و کارگر، ۷۷/۵/۲۹) و رضایت مهاجران از مهاجرت از عمده عوامل تشدیدکننده محسوب می‌شود. به طوری که تحقیقات موردی در این خصوص مؤید این حقیقت می‌باشد. (زنجانی، مهاجرت و حاشیه نشینی، صص ۲۰۷-۲۰۵)

۲) علل مؤثر بر مهاجرت از شهر به شهرهای دیگر

مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار این نوع از مهاجرت عبارت است از:

۱- عوامل اقتصادی: به دنبال بالا رفتن قیمت نفت در شهرها و دگرگونی‌های سریع و گسترده آن، محور اصلی فعالیت‌های اقتصادی و انباشت سرمایه به شهرها به خصوص شهرهای بزرگ‌تر انتقال یافت. متعاقب آن، تمرکز و دگرگونی ساخت، اشتغال و بسط سریع برخی حوزه‌های اشتغال مانند ساختمان‌سازی، خدمات جنبی، صنایع و امور تجاری و مالی ایجاد شد. سپس افزایش خدمات آموزشی و بهداشتی و رفاهی صورت گرفت که به دنبال خود موج جدیدی از مهاجرت شهر به شهر بعضی از شهرهای کوچک‌تر و متوسط به شهرهای بزرگ‌تر شکل گرفت. (اعتماد، مهاجرت در ایران، ۱۳۷۱، صص ۹۶-۹۵)

۲- عوامل اداری و سیاسی: این عوامل منبعث از ضوابط و نظامات حاکم بر سازمان‌های کشوری، سیاسی و لشکری است که ریشه در مدیریت متمرکز دارد. (دادرس، ۱۳۷۵، ص ۵۶)

۳- عوامل تحصیلی: وجود امکانات علمی و تخصصی در مرکز استان و مرکز کشور منشاء آن است. (همان منبع، ص ۵۶)

۴- انگیزه‌های بازنشستگی: غالب بازنشستگان کشوری و لشگری به دلیل وجود تسهیلات رفاهی بیشتر به زندگی در شهرهای بزرگ اشتیاق پیدا می‌کنند. (همان منبع، ص ۵۷)

۵- انگیزه‌های درمانی: وجود مراکز تخصصی درمانی و بهداشتی برای آن دسته از خانواده‌هایی که زندگی در مجاورت این قبیل مراکز را ضروری می‌دانند تدریجاً مهاجرت همیشگی را در پی خواهد داشت. (همان منبع، ص ۵۷)

پیشنهادها و راهکارهای کنترل مهاجرت‌های بی‌رویه

برای کنترل و هدایت صحیح مهاجرت‌های داخلی و مقابله صحیح با تبعات و ناهنجاری اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بزهکاری‌ها و جرائم ناشی از آن، پیشنهادها در دو بخش کنترل مهاجرت از روستاها به شهر و از شهرها به شهرهای بزرگ ارائه می‌شود.

۱) کنترل مهاجرت از روستاها به شهر

دولت می‌تواند با توجه به نقش تعیین سیاست جمعیتی و اقتصادی کشور، مازاد جمعیت روستایی را در مسیرهای از پیش تعیین شده هدایت نماید تا از تضعیف کشاورزی روستایی و تخلیه نیروی کار روستاها و تجمع در شهرها جلوگیری نماید. برخی سیاست‌های مهاجرتی به اختصار ذکر می‌شود:

۱- ایجاد موانعی جدی بر سر راه مهاجران روستایی به تهران و شهرهای بزرگ؛

۲- ایجاد قطب‌های توسعه روستایی و هدایت مهاجران به آن سوی؛

۳- صنعتی کردن روستاها از طریق مکانیزاسیون تدریجی آنها از یک سو و توزیع بخش‌هایی از صنایع در روستا و توسعه صنایع دستی در سطح روستاها؛

۴- برنامه ریزی و اقدام جدی برای توسعه اقتصادی روستایی در جهت ایجاد اشتغال و جاذبه زندگی روستاییان؛

۵- تمرکز زدایی در شهرهای بزرگ از طریق برقراری مهاجرت‌های معکوس از شهر به روستا؛ (تورمینایی، ص ۵۳)؛

۶- تمرکز زدایی در نظام اداری از تهران در جهت مراکز استان‌ها و به همان نسبت از مراکز

- استان‌ها به شهرستان‌ها و روستاها؛
- ۷- ایجاد تشکیلاتی خاص دارای قدرت اجرایی به منظور مطالعه، بررسی و هماهنگ کردن امور مربوط به مهاجرت‌ها، در جهت تصمیم‌سازی و اقدامات عملی برای جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه؛ (روند کنونی مهاجرت داخلی، ۱۳۶۳، صص ۵۴-۵۵)؛
- ۸- برنامه ریزی و اقدام جهت ساماندهی مسئله تحویل آب و استفاده بهینه از منابع آبی زمین با ایجاد بسترهای مناسب و ابزار ضروری؛
- ۹- توجه به رشد و توسعه همگون در بخش‌های مختلف اقتصادی به ویژه تأکید بر توسعه کشاورزی؛
- ۱۰- برنامه ریزی و اقدام جهت برخورداری بهتر روستاییان از خدمات رفاهی، آموزشی، پزشکی و...؛
- ۱۱- برنامه ریزی و اعلام سیاست‌های کشاورزی در هر سال و ارائه اطلاعات لازم به کشاورزان و پیش‌بینی بیمه کشاورزان برای مقابله با مشکلات ناشی از عوامل محیطی و جوی؛
- ۱۲- ایجاد نظم منطقی در دستگاه‌های اداری و دولتی برای رفع مشکلات کشاورزان در هنگام رجوع؛
- ۱۳- جلوگیری از رشد بی‌رویه مشاغل خدماتی در شهرها؛
- ۱۴- آگاه‌سازی جمعیت‌های روستایی به شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر نواحی شهری در معرض مهاجرت‌های روستایی به ویژه اطلاع‌رسانی درباره اشتغال و کاریابی در آن نواحی؛
- ۱۵- آگاه‌سازی عمیق روستاییان درباره عواقب رشد بی‌رویه جمعیت و اجرای برنامه‌های مناسب کنترل جمعیت.

۲) کنترل مهاجرت از شهر به شهرهای بزرگ

- ۱- مقابله با فوق‌تمرکزگرایی در تهران و شهرهای بزرگ و توجه عادلانه به سایر مراکز شهری از لحاظ اعتبارات، امکانات، اختیارات در بخش‌های مختلف به ویژه بخش اقتصاد و سرمایه‌گذاری‌ها به منظور رشد و شکوفایی همگون سایر نقاط شهری؛
- ۲- رشد و گسترش موزون امکانات خدماتی و آموزشی، بهداشتی و تفریحی در سایر نقاط شهری؛

- ۳- تنظیم نظام دستمزدها در نقاط مختلف کشور برای ایجاد انگیزه ماندن در شهرها؛
- ۴- کنترل و مهار منطقی امور خدماتی در شهرهای بزرگ؛
- ۵- داشتن سیاست‌های اشتغال جوانان در سطح کشور، استان و شهرستان‌ها با توجه به پیشنهاد‌های فوق و شرایط و منابع موجود در هر استان، شهرستان و جدیت در این امر خطیر برای جذب و اشتغال جوانان در مناطق محل تولد خود.

منابع

- اعتماد، گیتی. (۱۳۷۱)، مهاجرت در ایران در دهه‌های اخیر، شهرنشینی در ایران، تهران، آگاه.
- بیگی، محسن. (۱۳۸۳)، بولتن دی ماه بررسی‌های فرهنگی و اجتماعی خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۸۳)، بولتن دی ماه بررسی‌های فرهنگی و اجتماعی خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- پاکروان، اسد. (۱۳۷۵)، پایان نامه بررسی آثار روانی اجتماعی ناشی از مهاجرت روستائیان به شهرها، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- تورمینایی، ویدا، مروری بر علل مهاجرت‌ها و پیامدهای آن، نشریه زیتون، شماره ۱۴۵.
- جمعیت و جمعیت‌شناسی، (۱۳۶۸)، دایرةالمعارف لاروس، ترجمه زنجانی، حبیب‌اله، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- حسامیان، فرخ. (۱۳۷۱)، شهرنشینی مرحله گذار، شهرنشینی در ایران، تهران، آگاه.
- خضری، محمد. (۱۳۸۰)، دلایل و پیامدهای اقتصادی فرار مغزها، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۴.
- خلجی، علیرضا. (۷۷/۶/۲۶)، نگاهی به پدیده مهاجرت در ایران، روزنامه کاروکارگر.
- خلعتبری، عبدالحسین. (۱۳۸۱)، پایان نامه مهاجرین و سرقت‌های مسلحانه، تهران بزرگ سال ۸۰، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- دادرس، هوشنگ. (۱۳۷۴)، پایان نامه علل مهاجرت و حاشیه نشینی و رابطه آن با افزایش جرم، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- دعاگویان، داوود. (۱۳۷۷)، مهاجرت و امنیت شهری، دوماهنامه علوم انتظامی، شماره ۵، دانشگاه علوم انتظامی.
- رابرت گر، تد. (۱۳۷۷)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، تهران، مؤسسه مطالعات راهبردی.

- رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- زعیمی، حسین (۱۳۸۳)، بولتن دی ماه بررسی‌های فرهنگی و اجتماعی خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۷۱)، جمعیت و شهرنشینی در ایران. تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران، سمت.
- زنجانی، حبیب‌اله، مهاجرت و حاشیه‌نشینی، جمعیت و توسعه.
- سجادی نرگس و محمودی حمید، تهاجم و عزیمت، نشریه معیار، شماره ۲۵.
- سرشماری نفوس و مسکن، آمریکا، ۱۹۸۰.
- سرشماری نفوس و مسکن کل کشور، (۱۳۷۵)، مرکز آمار ایران.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۷۵)، جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی، شرکت سهامی انتشار.
- صالحی، فروزنده (۱۳۷۱)، پایان نامه بررسی پدیده فرار مغزها، تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- صالحی وند، سیداحمد، (۱۳۷۶)، پایان نامه بررسی علل و انگیزه‌های اقتصادی مهاجرت از استان‌های مختلف به تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صدیق، رحمت‌اله (۱۳۷۷)، حاشیه‌نشینی و پیامدهای امنیتی آن (۱)، ماهنامه علوم انتظامی، شماره ۷.
- صدیق، رحمت‌اله (۱۳۷۸)، حاشیه‌نشینی و پیامدهای امنیتی آن (۲)، ماهنامه علوم انتظامی، شماره ۸.
- طبیبیان، محمد (۱۳۷۸)، اقتصاد و ایران، تهران، مؤسسه عالی پژوهشی و برنامه‌ریزی.
- کلارک، جان آی (۱۳۵۴)، جغرافیای جمعیت و کشورهای در حال توسعه، ترجمه هوشنگ بهرام بیگی، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی.
- گزارش جهانی فرهنگ ۱۹۹۸، (۱۳۷۹)، تهران، مرکز انتشارات کمیسیون یونسکو.
- مهاجرت‌های استانی، (۷۵-۱۳۶۵) (۱۳۷۷)، تهران، مرکز آمار ایران.
- ناصری، محمدباقر، بررسی ویژگی‌های روان شناختی مهاجران، فصلنامه جمعیت، شماره ۱۱ و ۱۲.
- ناظمیان، محمدعلی (۱۳۷۴)، پایان نامه مهاجرت، علل و پیامدهای آن با تأکید بر ایران، دانشگاه

علوم انتظامی.

- نگاهی به پدیده مهاجرت در ایران، (۱۳۷۷/۷/۳۰)، نمایه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- وثوقی، منصور. (۱۳۶۶)، جامعه‌شناسی روستایی. تهران، کیهان.

- وزارت کشور، (۱۳۶۳) روند کنونی مهاجرت داخلی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی